



گفته بود واشنگتن با متحدان خود درباره استفاده از تحریم‌ها همکاری می‌کنندوی گفت: فعالیت‌های مربوط به تکمیل یا تایید این خط لوله را زیر نظر داریم.سکی افزود: اگر چنین اقدامی انجام شود، اجرائی کردن تحریم‌ها را بررسی می‌کنیم. نکته مهم این است که تحریم‌ها تنها یکی از ابزارهای مهم برای تامین امنیت انرژی هستند. همه این اقدام‌ها را با مشارکت متحندان و شرکای خود انجام خواهیم داد. حدود ۱۵۰ کیلومتر از لوله‌گذاری پروژه انتقال گاز

آمریکاتحریم‌های پروژه گازی نورداستریم-۲ را بررسی می‌کند

ایالات متحده آمریکا ادامه فعالیت پروژه ساخت خط لوله انتقال گاز نورداستریم-۲ و تحریم‌های آن را بررسی می‌کند. به گزارش پلاس، تلاش‌های دیپلماتیک برای دستیابی به مصالحه درباره پروژه جنجالی نورداستریم-۲ در حالی ادامه دارد که ایالات متحده هنوز تحریم‌ها علیه شرکت‌های درگیر در تکمیل این خط لوله انتقال گاز روسیه به آلمان را آغاز نکرده و آماده اجرای این تحریم‌هاست. جن سسکی دبیر مطبوعاتی کاخ سفید اواخر روز ۱۶ فوریه (۲۸ بهمن ماه)

تاخیر سی ساله در بهره‌برداری از میدان گازی فرزاد بدقولی دهلی



میدان گازی فرزاد A و B دو میدان مشترک گازی میان ایران و عربستان است؛ میادینی که جزو معدود میدان‌های گازی سعودی‌هاست. بر همین اساس سال‌هاست برداشت از میدان فرزاد B را آغاز کرده‌اند. ایران از اوایل دهه ۸۰ شمسی بررسی توسعه این میدان را آغاز کرده، ولی با گذشت بیش از ۲۰ سال از آن روزها، این میدان هنوز به تولید نرسیده است. از روزهایی که زنگنه در دولت اصلاحات وزیر بود، تصمیم بر آن شد که توسعه این میدان به هندیاها واگذار شود، اما دهلی‌نو با معطل کردن روند مطالعه، ارائه برنامه تولید و در نهایت امضای قرارداد، همه‌چیز را معلق گذاشت و وزارت نفت نیز طی این سال‌ها بی‌توجه به این موضوع مهم، خیال ریاض را برای برداشت از این میدان راحت کرد.

■ **یک پیشینه عجیب** هندی‌ها قرارداد اکتشافی به منظور حفاری چاه‌های اکتشافی در بلوک فارسی را در سال ۲۰۰۲ میلادی امضا کردند و در نهایت، سال ۲۰۰۷ میلادی با حفاری دو حلقه چاه، کشف ذخایر تجاری گاز در میدان «فرزاد» به اثبات رسید. بر این اساس پس از اثبات ذخایر تجاری گاز در میدان فرزاد، مذاکرات شرکت ملی نفت ایران با کنسرسیوم هندی آغاز شد، هر چند بسیاری از منابع آگاه معتقدند پشت پرده این کنسرسیوم، برادران هندوجا بوده و هستند؛ همان خانواده‌ای که پیش از انقلاب در خوزستان دارای کسب و کار بزرگی بودند و به راحتی فارسی هم صحبت می‌کردند. هندوجا که یک خانواده منتفذ و ثروتمند در هندوستان به شمار می‌روند، روابط

پیچیده‌ای با برخی مدیران نفتی و البته سیروس ناصری دارند به طوری که برخی گزارش‌های تاییدنشده در رسانه‌ها، نشان می‌دهد برخی افراد نقش واسطه را برای این خانواده ایفا می‌کنند. در دولت گذشته، مذاکرات به مراحل جدی رسید که بر اساس آن قرار شد توسعه این میدان از مدل قراردادی مشارکت در تولید انجام شود؛ مدلی که با قانون نفت ایران تضاد بزرگی داشت اما وزارت نفت، تصمیم نهایی خود را گرفت هر چند نهایی‌شدن این قرارداد، تنها در حد حرف باقی ماند.

براساس گزارش‌های منابع هندی، هند از سال ۲۰۰۹ به دنبال انعقاد قرارداد برای میدان گازی فرزاد بود که حدود ۷۵درصد از این توافقنامه تا ماه می ۲۰۱۸ نهایی شد اما

هنگامی که ایالات متحده به طور یکجانبه از توافق هسته‌ای خارج شد، این قرارداد نیز به مانع برخورد کرد. دست آخر ایران و هند برای توسعه این میدان به توافق دست نیافتند و با افزایش تحریم‌های غیرقانونی آمریکا، هندی‌ها میز مذاکره را ترک کردند.

برداشت سعودی‌ها

با رها شدن این میدان، عربستانی‌ها با سرعت توسعه آن را در پیش گرفتند. در حال حاضر سعودی‌ها روزانه حدود ۴/۵ میلیون دلار از سهم گاز ایران در این میدان را برداشت می‌کنند و تاکنون میزان خسارتی که به کشور وارد شده، رقمی معادل چهار میلیارد دلار است و هر روز تاخیر آن نیز حدود ۴/۵ میلیون دلار به مجموع خسارت اضافه می‌کند. با گذشت کمتر از یک سال از

نورد استریم-۲ در آب‌های دانمارک و آلمان باقی مانده این در حالی است که تهدید تحریم‌های ایالات متحده علیه شرکت‌های فعال در اجرای این خط لوله سبب تاخیر طولانی در تکمیل آن شده است. در صورت تکمیل این خط لوله، نیاز گاز پیروم به استفاده از مسیر ترانزیت اوکراین برای انتقال سالانه ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز روسیه به اروپا برطرف می‌شود. دولت کی‌یف به درآمد این مسیر ترانزیتی وابسته است.

توقف مذاکرات ایران و هند بر سر توسعه این میدان مشترک گازی، در نهایت توسعه فاز مقدماتی این میدان در قالب توافقنامه اولیه به یکی از شرکت‌های ایرانی واگذار شد. نکته مهم درباره توسعه میدان فرزاد که در نهایت منجر به بازگشایی قفل توسعه آن شده، چگونگی استفاده از گاز میدان فرزاد بوده است به طوری که اخیرا یکی از مقامات شرکت ملی نفت گفته است: «سناریوی پیش رو، امکان‌سنجی تزریق گاز ترش میدان‌های فرزاد A و B به میدان نفتی آغاچاری بوده و تاکنون مدل توسعه اقتصادی این میدان تدوین و ارائه شده است.»

با انتقال گاز میدان فرزاد به تاسیسات آغاچاری با حفاری چاه‌های دریایی، سسکو و تاسیسات فراساحلی می‌توان گاز ترش این میدان را به خط لوله پنجم سراسری منتقل کرد و در نهایت گاز میدان صرف افزایش ضریب بازیافت مخزن آغاچاری شود. با اجرای این سناریو در کنار کاهش هزینه‌های تولید عملا راهکاری برای مصرف گاز این میدان مشترک با عربستان پیدا شده است.

به گزارش میز نفت، وقت تلف کردن‌های هند به بهانه‌های مختلف طی این سال‌ها تنها به سود عربستان بوده است؛ کشوری که با کیش دادن روند مذاکرات و توسعه این میدان، هم ضربه بزرگی به منافع کشور زده است و هم خیال ریاض را بابت برداشت بی‌دردسر از میدان گازی فرزاد راحت کند. تنیدگی منافع این دو کشور با هم بسیار پیچیده‌تر از آن است که می‌توان فکرش را کرد؛ از نزدیکی به سیاست‌های بلوک غرب گرفته تا افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان دو کشور.

بر اساس برخی آمارهای منتشر شده، بیش از یک میلیون کارگر هندی در عربستان کار می‌کنند که سالانه بیش از چهار میلیارد دلار برای خانواده‌های خود در هندوستان ارسال می‌کنند.

دهلی‌نو نمی‌خواهد منافع خود را در شبه‌جزیره از دست بدهد و با توجه به روحیه عجیب سعودی‌ها در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، چنین گروهی‌هایی طبیعی به نظر می‌رسد، ولی سؤال مهم این است چرا دولتی در ایران تکلیف شرکت‌های هندی با منافع ملی را روشن نکرد، و بویژه دولت تدبیر و امید که طی هفت سال گذشته بیشترین قصور را داشته است.

نمایه

درآمد نفتی ۳۶۵ میلیارد دلاری دولت روحانی

در سال اول برنامه ۲۰ درصد از درآمدهای ارزی کشور به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد و سالانه ۳ درصد به این سهم افزوده شود؛ یعنی در سال آخر برنامه پنجم (۱۳۹۵) باید سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای ارزی کشور ۳۵ درصد باشد.در قانون بودجه سال ۱۳۹۰، مقرر شد ۲۰ درصد از درآمدهای ارزی مطابق با برنامه پنجم توسعه کشور به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد، ولی در عمل ۱۷/۳ درصد از آن محقق شد.

در قانون بودجه ۱۳۹۱ که سال دوم اجرای قانون برنامه پنجم توسعه بود، مطابق با باید ۲۳ درصد از درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت و گاز به صندوق توسعه ملی اختصاص می‌یافت، ولی در عمل ۲۱/۶ درصد از درآمدهای ارزی به حساب صندوق واریز شد که با کسر

۲ درصد برداشت دولت از صندوق و درآمدهای ارزی کشور در آن سال، در حقیقت ۱۹/۶ درصد از درآمدهای

همچنین مطابق قانون برنامه ششم مقرر شد در سال ۱۳۹۶، ۳۰ درصد از درآمدهای ارزی کشور به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد و سالانه ۲ درصد به این سهم افزوده شود؛ یعنی در سال آخر برنامه ششم ۱۴۰۰ باید سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای

ارزی کشور ۳۸ درصد باشد.در قانون بودجه سال ۱۳۹۶، مقرر شد ۳۰ درصد از درآمدهای ارزی مطابق با

برنامه ششم توسعه کشور به صندوق

خبر

آیا صعود نفت سرآغاز اتفاق بزرگ‌تری است؟

قیمت کالاها از جمله نفت خام در ماههای اخیر و در بحبوحه انتظارات برای احیای اقتصادی، سیاست پولی آسان و رشد تورم صعودی پیدا کرد و عملکرد بهتری در مقایسه با شاخص‌های سهام داشته است. به گزارش ایسنا، تحلیلگران و بانک‌های سرمایه‌گذاران می‌گویند روند صعودی گسترده کالا تمام نشده و حتی بعضی از بزرگ‌ترین بانک‌های سرمایه‌گذاری درباره شروع یک سوپرسیکل جدید کالاها صحبت می‌کنند که معمولا یک دهه طول می‌کشد.

اما همه بانک‌های سرمایه‌گذاران و تحلیلگران درباره شروع سوپرسیکل کالاها متقاعد نشده‌اند و هشدار می‌دهند که بکار بردن واژه سوپرسیکل برای روند صعودی که ممکن است در مدت یک تا دو سال متوقف شده و قربانی پیامدهای منفی شیوع کووید ۱۹ شود، بیش از حد خوش‌بینانه است.

در حدود اوایل سال ۲۰۲۰ چند هفته پیش از اعلام شدن نخستین واکسن موثر کووید ۱۹ گلدمن ساکس اعلام کرد کالاها در سال ۲۰۲۱ به سوی یک روند صعودی پیش می‌روند. این بانک سرمایه‌گذاری در آن زمان اعلام کرده بود انتظارات برای تورم بالاتر، دلار ضعیف‌تر که اکثر کالاها با این ارز معامله می‌شوند و سیگنال‌های مربوط به ادامه سیاست پولی فوق تسهیلی از سوی بانک‌های مرکزی، عوامل اصلی صعود قیمت کالاها خواهند بود.

گلدمن ساکس پیش‌بینی کرده بود شاخص کالای گلدمن ساکس اس‌اند‌پی (GSCI) در مدت ۱۲ ماه آینده برای انرژی به ۴۲/۶ درصد و برای فلزات ارزشمند به ۱۷/۹ درصد برمی‌گردد.

طی سه ماه گذشته شاخص S&P GSCI از شاخص S&P ۵۰۰ عملکرد قوی‌تری داشته و بیش از ۲۵ درصد رشد کرده در حالی که شاخص S&P ۵۰۰ تنها ۹ درصد رشد داشته است.

طی همین مدت قیمت نفت از محدوده پایین ۴۰ دلار به بالای ۶۰ دلار در هر بشکه صعود کرده که این افزایش تحت تاثیر ساخت واکسن‌های موثر، کاهش تولید اوپک‌پلاس و انتظارات برای کمبود عرضه در بازار و رشد تقاضا برای نفت در نیمه دوم سال ۲۰۲۱ بوده است. طبق گزارش جی‌پی مورگان، دلایلی وجود دارد که به این باور برسیم که سوپرسیکل جدید کالا به خصوص سیکل صعودی نفت شروع شده است. سوپرسیکل قبلی کالا پس از یک دوره ۱۲ ساله که تحت‌تاثیر هزینه‌های گسترده و رونق اقتصادی چین شکل گرفته بود، در سال ۲۰۰۸ به پایان رسید.

جی‌پی مورگان اکنون چندین عامل احتمالی را می‌بیند که از سوپرسیکل جدید حمایت می‌کنند. اولین مورد رشد اقتصادی در دوران پساکرونا و سپس سیاست‌های پولی فوق تسهیلی، نرخ بالاتر تورم، دلار ضعیف‌تر، سرمایه‌گذاری‌ها برای حفظ دارایی در برابر تورم، فلزات برای بازارهای گذار انرژی مانند باتری‌ها و خودروهای برقی و کمبود سرمایه‌گذاری در تولید جدید نفت است.

آژانس بین المللی انرژی سال گذشته هشدار داد اگر سرمایه‌گذاری در تولید نفت در پنج سال آینده در سطح سال ۲۰۲۰ بماند، سطح عرضه نفت در سال ۲۰۲۵ حدود ۹ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا خواهد کرد.

شرکت تحقیقاتی وود مک کنسری در دسامبر اعلام کرد سرمایه‌گذاری‌های جهانی در بخش بالادستی صنعت نفت امسال درست مانند سال ۲۰۲۰ اندک می‌مانند و سرمایه‌گذاری‌ها در بخش بالادستی نفت و گاز به ۳۰۰ میلیارد دلار می‌رسد که پایین‌ترین میزان در ۱۵ سال گذشته بوده و ۳۰ درصد کاهش در مقایسه با سطح سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد.

سیمون فلوورز، تحلیلگر ارشد وود مک کنسری در این باره گفت: جهان پس از سال ۲۰۲۱ ممکن است دچار کمبود عرضه شود. تقاضا برای نفت تا اواخر سال ۲۰۲۲ به بیش از ۱۰۰ میلیون بشکه در روز بهبود پیدا می‌کند و ریسک کمبود عرضه در دهه جاری را افزایش می‌دهد و باعث جهش قیمت‌ها می‌شود.

آمریتاسن، تحلیلگر ارشد نفت در شرکت انرژی اسپکسنتس اوایل ماه جاری به بلومبرگ گفته بود سیاست پولی فوق تسهیلی ممکن است قیمت نفت را در سال آینده تا مرز ۱۰۰ دلار در هر بشکه افزایش دهد.

در حالی که قیمت نفت خام و سایر کالاها صعود کرده و سیگنال‌هایی نمایان شده که از صحبت درباره سوپرسیکل جدید حمایت می‌کند اما برخی از تحلیلگران محتاط مانده و می‌گویند هنوز زود است از شروع سوپرسیکل جدید کالاها صحبت کنیم.

جورج شولی از شرکت ناینتی وان به روزنامه فایننشال تایمز گفت: آنچه که در حال حاضر شاهد هستیم، یک احیای دوره‌ای است اما تا سوپرسیکل بعدی دو تا سه سال دیگر فاصله داریم.

اد مورس مدیرکل و مدیر تحقیقات کالا در سیتی‌گروپ هم هفته گذشته در مصاحبه‌ای با فایننشال پست گفت: روند صعودی اخیر بعید است به یک سوپرسیکل برای کالاها تبدیل شود زیرا اگرچه سرمایه‌گذاری اندک مانده اما در بازار بسیاری از کالاها از جمله نفت خام، عرضه فراوان است.

بر اساس گزارش اوپل‌پرایس، کالاها مطمئنا از خوش‌بینی به رشد اقتصادی پساکرونا و بسته محرک مالی که قیمت‌ها را تقویت می‌کند، سود برده‌اند اما هنوز زود است شروع سوپرسیکل جدید کالاها که معمولا یک دهه طول می‌کشد، اعلام شود.

فرم اشتراک روزنامه

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را بر اساس مبلغ مندرج در جدول ذیل:

به حساب شماره ۶۳۹۳۸۰۴۲ بانک رفاه شعبه میدان فردوسی کد ۱۸۰

و یا به شماره شبای ۶۳۹۳۸۰۴۲IR۴۵۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰

به نام **روزنامه جهان صنعت**

واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده به دفتر امور مشترکین روزنامه جهان صنعت ارسال نمایند.

آدرس: میدان آرژانتین- بلوار بیهقی- خیابان دهم غربی- پلاک ۱- واحد ۲ و یا ارسال از طریق نامبر: ۸۸۷۳۱۴۳۱

« فقط تهران بزرگ »

دوره اشتراک	۶ ماهه	یک‌ساله
هزینه اشتراک (ریال)	۳/۰۰۰/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰

با توجه به اینکه توزیع روزنامه جهان صنعت توسط موسسه اطلاعات انجام می‌شود از مشترکان شهرستانی تقاضا می‌شود جهت دریافت اشتراک به دفاتر نمایندگی روزنامه اطلاعات در سراسر کشور مراجعه نمایند.

- شرایط اشتراک:**
- ساعات تحویل روزنامه از ۶ الی ۱۱ صبح
 - شروع اشتراک (متقاضیانی که درخواست خود را به طور کامل تحویل نمایند) اول و شانزدهم هر ماه می باشد.
 - مبلغ مندرج در جدول فوق بابت روزانه یک نسخه اشتراک می باشد .
 - لطفاً کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگهداری فرمایند .
 - در صورت عدم تحویل روزنامه حداکثر تا ساعت ۱۴ همان روز مراتب را با تلفن ۸۸۷۳۱۹۸۱ اعلام فرمایند .

نام و نام خانوادگی:	شرکت / موسسه:	کدپستی:	تلفن:
فاکس:	تعداد درخواستی:	مدت اشتراک: ۶ ماهه	یک ساله
آدرس:			
شماره فیش بانکی:	بانک:	تاریخ واریز فیش:	

پاریس معرفی می کند.

اما در نگاهی عمیق تر در عصر حاضر که ماهیت مناسبات بین المللی کاملاً با نوع روابط سدهای گذشته متمایز است، نبرد کرنا را می توان پایانی بر پیوندهای عمیق هزاران ساله بین دو مرکز فرهنگی عهد باستان تا قرون معاصر یعنی ایران و هند تلقی کرد. بر چند نادر سدهی کرد بنیان خیز و خیزون جنگ و اهداف خود برد سده ولی وقتی با عدم همکاری شاه گور کانی روبرو شد، جنگ خونین در گرفت بار سنگین تلفات این لشکر کشی، انچهان زخمی بر دل هندوها باقی گذاشت که دیگر هیچ کار پیوندهای باستانی و فرهنگی میان دو تمدن به پیش از آن نازنگشت. قتل عام و فرزند کشی می گناه، تا جایی که برای چند سال ذخایر و گنجینه های مردم از ثروت عظیم هندوستان تامين شد، سبب کینه همسایه شرقی از ایران شد. هر چند بازگشت جواهرات از رشمندی ماندن کوه روبرو در پای نوبه کشور که توسط افغان ها به غارت رفته بود، قابل تقدیر است اما آنچه پس از کرنا اتفاق افتاد، هموار کردن مسیر برای سطره هر چه بیشتر استعمار انگلستان و دوری از فرهنگ و پیوندهای دیرینه بین پاریسی زبانان در کشور بود. نادر که بیشتر عمر خود را شجاعانه سوار بر اسب، صرف خاموش کردن نارامی های داخلی و همهجماهی خارجی کرد، فرصتی برای تامل در مورد علل این نالارامی ها نیافت. در واقع و نیز چون بسیاری از حاکمان گذشته، راه حل مشکلات کشور را در سرشور بودن با زبان شمشیر می دید، تنها در فرصتی اندک در گردهمایی دشت مغان با دعوت از بزرگان کشور دست به هم اندیشی زد تا شاید بتواند چراغ جنگهای داخلی را خاموش کند که در این میان تلاش او برای حل اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی قابل ستایش است. ولی فضای سیاسی و اجتماعی روز ایران که خالی از متفکران و اندیشمندان پیشین بود، دیگر نه مشاورانی خردمند در صحنه سیاست کشور باقی گذاشته بود نه منطقی بر ذهن حاکمان حکمفرما تا به آینده نگری بپردازند. محاصل این کشمکش های بی پایان، از هم پاشیدگی و آغار مجدد کشمکش داخلی بین اقوام معترض بود. استعمار بریتانیا نیز که مترصد چنین فرصتی بود، به هیچ وجه این بزنگاه تاریخی را از دست نداد. هندوستان تضعیف بشود و پادشاه و فرمان هراسان از همسایه غربی که داغ فراموش نشدنی بر پیکره آنها باقی گذاشته بود، بیش از گذشته دست نیاز به سوی انگلستان دراز کردند تا به یمن این جنگ بی حاصل، بریتانیا با سطرله کامل بر سرزمین پهناور و ثروتمند هند، حداقل تا یک قرن تبدیل به قدرت برتر اقتصادی جهان شود. نادر که رگیر نارامی های داخلی و دست اندازی های عثمانی و روس بود، ناچار به ترک این سرزمین به خاطر عدم توانایی اداره شبه قاره پهناور هند بود. پادشاهی که مورخان لقب آخرین فاتح شرق را بر او نهاندان در اداره کشور نیز عاجز بود ولی بریتانیا از آن سوری دریاهو و خشکی ها مشتاقانه به سوی ممالک جدید به پیش می رفت و به راحتی اداره امور آنها را به دست می گرفت تا واقع پیش از آنکه پای استعمار به مشرق زمین باز شود، مسیر استعمار از سوی حاکمان این سرزمین ها، هموار شده بود.

از سوی حاکمان این سرزمین ها، هموار شده بود.

☆ پژوهشگر تاریخ
Sazate2007@gmail.com

ادامه تقدور

آقای روحانی شما توانستید، مردم نتوانستند

نیز عباراتی با همین مضمون را به اطلاع افکار عمومی رسانده بودند. واقعیت این است که آقای رییس دولت و نیز گروه فرهنگی اقتصادی او هرگز به این داستان اشاره نمی کنند که سوخت حرکات در دولت سال ۱۳۹۶ و نیز پاراسال از درد و رنج شهروندان ایرانی به دست آمده است. آقای رییس جمهور باید بداند و نیز احتمالاً به او گفته اند که دولت او شهروندان را بی بنه و بدون پشتوانه در برابر تورم شتابان ها کرده و نان آوران خانه از نداشتن ها و کاستی ها و رذن از سفره و کالاهای ضروری رنج سترگی برده اند. آمارهای که برخی باور دارند عمق تازدی تورم را به دلیل اینکه یک سید بزرگ است نشان نمی دهد، نشان می دهد شهروندان ایرانی امسال یکی از بالاترین نرخ های تورم را تجربه خواهند کرد. به این جمله مشاور ارشد اقتصادی سابق دکتر مسعود نیلی توجه کنید: «در حال حاضر نیز از سال ۹۶ به بعد، متوسط تولید حدوداً در سطح ۳۰ درصد قرار دارد که به معنی دوبار شدن قیمت ها تنها طی دو سال است. مقایسه متغیرهای اقتصادی کشور ما با سایر کشورهای جهان نشان می دهد که ما طولانی ترین تورم مزمن تاریخ را داشته ایم.»

کالبدشکافی کارشناسانه ای که با شجاعت نشان می دهد از میان سه بازیگر اصلی اقتصاد یعنی خلوئه، بنگاه و دولت در ایران تنها دولت بوده و هست که به دلیل قدرت بسیار فرا تر از نو نهاد دیگر، سوخت زنده مدفن خود را در نو نهاد دیگر می کند و به قیمت لاغر شدن آنها خود را پس نشان می دهد و در این حلی ثروت و ثروت نسل های قبلی و بعدی را نیز پیش خور می کند. دولت که سطرله ها و کاغذ در یک فرایند و عملیات حسابداری توانسته دخل و خرج را در تعادل نگه دارد اما به منافع صندوق توسعه – حتی اگر قانونی بوده باشد- دست یازیده است، به بهانه انتشار اوراق بدهار قرضه نسل آینده را به دهاکار کرده است، دارای های تاریخی ایران را به شکل های نوگوار فروخته است و از همه مهم تر سفره شهروندان را کوچک و کوچک تر کرده است. آقای روحانی شما نتوانستید از راههایی که هرگز کارآمد و کار ساز نبوده اند به کسری بودجه و تورم لامن زده مدخل و خرج دولت را جمع کنید اما شهروندان نتوانستند گوشه تنگ، مملکت و پتیر و شیر و کبوتر و تخم مرغ و گوشت مرغ و بنرغ کمتر مصرف کردند خوارهای ایرانی حتی اگر کرناها هم نبود می توانستند لباس و تفریح و تحصیل و بانک خله کمتری خریداری کنند شما نتوانستید اما شهروندان بی بنه و بر بدبار ایرانی نتوانستند دخل و خرج خود را به تعادل برسانند.